

مهریه از منظر جامعه‌شناسی و حقوق

سمیرا سرچمی

گزارش

مهریه همواره یکی از پر مناقشه‌ترین قوانین بوده است و قانونگذار به نام حمایت از خانواده از دهه چهل تا کنون هر بار به گونه‌ای آن را تغییر داده است.

می‌توان گفت قانون مهریه در ابتدا ضامن و حامی زنان بود زیرا یک مانع بزرگ محسوب می‌شد برای آن که مردان نتوانند به آسانی همسر خود را طلاق دهند زیرا در گذشته مردان این حق را داشتند که به تنهایی به دادگاه مراجعه کنند و بدون هیچ عذر و بهانه‌ای همسرشان را رها سازند. مردانی که بعضاً بنا به عرف تعدد زوجات، چند همسر داشتند و می‌خواستند بدون دلیل همسر خود را طلاق دهند. گذشته از آن مهریه برای یک زن در حکم یک اهرم اقتصادی بود که پس از جدایی بتواند به زندگی خود ادامه دهد و با مشکلات مالی کمتری روبرو باشد. اما در دهه‌های اخیر نقش فرهنگی مهریه تغییر کرده و تبدیل به نوعی خرید و فروش شده است. در این وضعیت خانوادگی دختر فروشنده کالایی است که با قرار دادن مبلغی به عنوان مهریه به ازدواج رسمیت می‌بخشد.

قراردادی که بدون مبلغ مهریه قابل استناد نیست و مهریه در واقع امری است برای قانونی کردن عمل ازدواج. برای خرید و فروش زمین، ملک و یا هرگونه معامله‌ای که فروشنده و خریدار در آن تعریف شود، دقیقاً همین گونه عمل می‌گردد.

این روش ازدواج در دنیای امروز مورد نقدهای متعددی واقع شده است؛ زیرا امر ازدواج معطوف به یک رابطه انسانی فراتر از معامله است. مهریه در تعریف کنونی‌اش می‌تواند از ابتدا رابطه عاطفی را متزلزل گرداند و تبدیل به یک معامله پرسود یا زیان بخش کند. در عین حال پایه‌گذار دروغی بزرگ نیز هست زیرا تعدادی از مردان متعهد می‌شوند مبلغی را که در اختیار ندارند به عنوان مهریه ثبت کنند.

مهریه همچنین خشونت خانگی را افزایش می‌دهد. مردان برای آنکه زنان از حششان بگذرند آنان را مورد ضرب و شتم و فشارهای روانی قرار می‌دهند و در مواردی حتی موضوع به قتل همسر هم منجر شده است. برای مثال مورد بوده که مردی در گذشته به شدت همسرش را کتک می‌زده است و بعد از اینکه زن تقاضای طلاق کرد و مهریه‌اش را به اجرا گذاشت، مرد به دلیل نپرداختن مهریه و دیه عضو آسیب دیده، به عنوان بدهکار مالی، به زندان می‌رود. وقتی این فرد از زندان مرخصی می‌گیرد، همسرش را به قتل می‌رساند.

قانون‌گذار به جای آنکه قانون را به گونه‌ای تغییر دهد که زنان با حقوق برابر در زندگی روبرو شوند، با قرار دادن مهریه حق زنان را ضایع می‌نماید زیرا چنانکه مهریه بر اساس ریال باشد با افزایش تورم باعث از بین رفتن ارزش پول و بی ارزش شدن مبلغ مهریه می‌شود و اگر بر اساس سکه طلا باشد هر بار با افزایش تورم و قیمت سکه، قانون مهریه نیز تغییر می‌کند. در سال‌های اخیر قانون حمایت

از خانواده از تعداد سکه‌هایی که به عنوان مهریه قابل پرداخت بود کم کرده و آن را به حدود ۱۱۰ عدد سکه تقلیل داد.

همین موضوع ابهام‌های قانونی مهریه و پرسش‌های پیرامون آن را ایجاد می‌کند. سوال‌هایی مثل این که:

- آیا فلسفه وجودی مهریه از میان رفته؟
- اگر موافق حذف مهریه هستیم، دلایل‌مان چیست و اگر مخالف هستیم چرا؟
- در حال حاضر نحوه پرداخت مهریه در صورت طلاق به چه صورت است؟
- آخرین تصمیمی که گرفته شده چیست؟
- بهتر نیست دخترانی که قصد ازدواج دارند در قبال حقوق مربوط به ازدواج مهریه را ببخشند؟
- آیا مخالفت با اعطای این حق و حقوق، مترادف زن ستیزی و در واقع به نفع جامعه‌ی مردسالار نیست؟
- آیا محدودیت تعداد سکه فقط در قابلیت برداشت زوج موثر است و نه در تعیین و پرداخت آن؟

در حال حاضر در سیرجان وضعیت پرداخت مهریه به چه صورت است؟ آیا این واقعیت دارد که زنان سیرجانی اخیراً مهریه را به اجرا می‌گذارند برای رسیدن به استقلال مالی؟

- عجیب‌ترین مهریه‌ها تا کنون چه بوده؟
- آیا تعداد زندانیانی که به علت مهریه در حبس هستند در سیرجان زیاد است و آماری وجود دارد؟
- آیا مجازات زندان برای مهریه نپرداختن، برداشته شده یا مجازات زندان هنوز به عنوان ضمانت اجرای تخلف مرد وجود دارد؟
- چرا برخی مردان معتقدند مهریه حقوق آن‌ها شون را ضایع کرده؟

نظر برخی از وکلای پایه یک دادگستری این است که از آنجا که مهریه یکی از آثار عقد و ازدواج است، بنابراین صحبت کردن درباره مهریه صرفه نظر از بقیه مباحث نکاح و طلاق به نظر نادرست است. وجود حقی مثل مهریه به نحوی که امروز در جامعه می‌بینیم اشتباه است که دلائلش مفصل است. اما بحث اول این است که اشتباه بودن تعیین مهریه و قوانینی که از این حق حمایت می‌کنند باید در کنار سایر قوانین مربوط به حقوق خانواده از جمله حق طلاق مورد بررسی قرار بگیرد.

فلسفه وجود حقی مثل مهریه شاید از اساس و در قانون به خودی خود مشکلی نداشته باشه اما آنچه که مهریه را امروزه به عنوان یک امر نادرست جلوه می‌دهد، بیشتر عرف حاکم بر جامعه است چون اولاً: فقط به خاطر چشم و هم چشمی تعیین می‌شود و در زمان تعیین مهریه هیچ علم و آگاهی درباره مسئولیت ناشی از تعیین آن توسط زوجین وجود ندارد و با یک جمله اشتباه که «کی مهریه رو داده و کی گرفته» اقدام به تعیین حقی می‌کنند که تخلف از آن ضمانت قانونی سنگینی دارد.

دوم: وجود مهریه‌های سنگین مانع از رفتن جوان‌ها به سمت ازدواج و در نتیجه تجرد هرچه بیشتر آن‌ها می‌شود.

سوم: گاهی موجب می‌شود زوجین به اجبار و برای

ممانعت از ضمانت‌های اجرایی مهریه (مثل توقیف و فروش اموال و یا در درجه شدیدتر جلوگیری از زندان) تن به زندگی بدهند که با طرف مقابل هیچ سختی ندارد و بعضاً فرزندان در آن زندگی حاصل بشود درحالی که زوجین هیچ بهره‌ای از عشق نبردند.

چهارم: خیلی از اوقات هم باعث می‌شود مردهایی که واقعا توانایی مالی جهت پرداخت ندارند به ناحق روانه زندان شده و آثار بسیار سوء و ناروایی تا آخر زندگی گریبانگیر آن افراد که اکثراً هم آبرومند هستند، بشود... و قطعاً خاطره‌ای در ذهن فرد به بار می‌آورد که نه تنها فراموش نشده بلکه بعضاً باعث ایجاد حس انتقام شدید هم در فرد بشود. بنابراین برخلاف دید عموم مهریه هیچگاه نمی‌تواند ضامن خوشبختی یک فرد باشد و جالب است که همه زن‌ها و خانواده‌هایشان این موضوع را دانسته اما باز هم از چشم و هم چشمی اقدام به تعیین مهریه‌های سنگین می‌کنند.

اما علی‌رغم تمام مواردی که ذکر شد، حذف کامل مهریه نیز به نظر درست نیست زیرا: متأسفانه سطح فرهنگ پایین است و به خصوص در بین مردان ایرانی هنوز جایگاه یک زن آنچنان که باید به رسمیت شناخته نشده است.

تا آنجا که خیلی اوقات با یک زن مثل خدمتکار برخورد می‌شود و یا مردان به خود اجازه خیانت می‌دهند بدون اینکه اشتباه بود اعمال خود را بپذیرند. بنابر این اگر زنی هیچ حقی در زندگی نداشته باشد به راحتی مورد آزار مردان قرار گرفته و با وی مثل یک اسیر جنگی برخورد می‌شود.

دوم اینکه ممکن است زن سال‌های زیادی را در زندگی یک مرد حضور داشته و برای وی فرزند آوری کند و در پایان چون مرد حق طلاق دارد با متارکه تمام زحمات زن را نادیده بگیرد و اگر حقی تحت عنوان مهریه وجود نداشته باشه، آن زن عملاً بایک نظام نادعالانه مواجه می‌شود.

بنابراین حذف کامل مهریه نیز اشتباه محض است و به جای آن پیشنهاد می‌شود که فرهنگ جامعه در خصوص نگاهی که نسبت به زن و مرد در یک زندگی مشترک وجود دارد تغییر پیدا کرده و اصلاح شود.

در ثانی قوانین موازی با مهریه مثل قوانین مربوط به ضمانت فرزندان یا قوانین طلاق نیز اصلاح گردد... اما چیزی که مسلم است، باید قوانین اصلاح شود.

اگر توافقی بین زوجین نباشد پرداخت مهریه دوحالت داره اول اینکه اگر مالی از زوج یافت بشود، آن مال توقیف و به فروش می‌رسد و وجه حاصل از فروش به زوجه داده می‌شود و در حالت دوم که مرد یا همان زوج، مالی نداشته باشد، دادگاه پرداخت مهریه را تقسیم می‌کند و زوج اگر اقساط را نپردازد، بازداشت می‌شود. میزان اقساط هم بستگی به وضعیت معیشتی مرد دارد و برای افراد متعدد متفاوت است.

اگر پیشنهاد شما را به بیان حقوقی بگویم یعنی زن باید همان ابتدای ازدواج شرط کند که در صورت بخشیدن مهریه وکالت در انجام امور مربوط به